

جایگاه اخلاق نقد در اندیشه امام خمینی (ره)

زهرا منزله^۱

چکیده

امروزه با گسترش فناوری اطلاعات و ابزارهای رسانه‌ای همانند رادیو، تلویزیون، اینترنت، ماهواره‌ها و مطبوعات و از سوی دیگر توسعه دانشگاه‌ها و مراکز علمی در کشور، تقریباً تمامی اطلاعات مربوط به تحلیل حوادث و رویدادهای فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در اختیار مردم قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که به راحتی می‌توانند درباره مسائل گوناگون اظهارنظر کنند. بی‌شک دستیابی سهل‌الوصول به اطلاعات، بحث و مجادله و از همه مهمتر اختلاف‌نظر درباره رویدادها و نتایج آن را در بین مردم به دنبال خواهد داشت. از طرف دیگر کسب دانش و طی کردن مراحل و مدارج علمی در بین افراد موجب شده است تا هریک طبق مطالعات و تحقیقات خویش اندیشه‌ای را در ذهن بپرورانند. در چنین شرایطی پیدایش پدیده نقد و اختلاف سلیقه و نظر امری بدیهی و آشکار به شمار می‌رود.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران نیز اختلاف‌نظرهای فکری و سیاسی میان بنیان و حامیان انقلاب به تدریج شکل گرفت که در پایان دهه اول انقلاب و آستانه انتخابات مجلس سوم به اوج خود رسید و انشعاب در جامعه روحانیت را به دنبال داشت؛ به طوری که آقای محمد علی انصاری با ارسال نامه‌ای به امام در این زمینه، نگرانی‌هایش را از این وضع ابراز می‌دارد. امام (ره) طی پاسخ به نامه مذکور توصیه‌های بی‌نظیری در زمینه اخلاق نقد و به عبارتی اختلاف و برادری بیان نمود که به «تحکیم برادری» موسوم شد.

مقاله حاضر سعی دارد به بررسی جایگاه نقد و اخلاق آن در اندیشه امام خمینی (ره) بپردازد؛ امری که بی‌تردید راهگشای بسیاری از مسائل کنونی است.

واژگان کلیدی: امام خمینی (ره)، اخلاق نقد، انقلاب اسلامی، اختلاف سلیقه

^۱ - کارشناس ارشد تاریخ انقلاب اسلامی؛ email: monazah_zahra@yahoo.com

مقدمه

مفهوم انتقاد

نقد کردن و نقدپذیری سرمایه‌هایی ارزنده برای اصلاح فرد و در معنای کلی‌تر جامعه محسوب می‌گردد. شناخت کاستی‌ها و تلاش برای زدودن آن‌ها گامی اساسی در رسیدن به رستگاری فردی و اجتماعی به شمار می‌رود. از این روی در منطق فرزندگان، نقد و انتقاد قدر و قداست ویژه‌ای دارد و در جرگه مهم‌ترین برتری‌های اخلاقی قرار می‌گیرد. بنابراین، در صورتی که فرهنگ نقد کردن و نقدگفتن به درستی بیان شود و آداب نقد و مرزهای روا و ناروای انتقاد به روشنی ترسیم گردد، بسیاری از تشنجات، اختلافات، کدورت‌ها و کشمکش‌ها فروکش می‌کند و مسیر بهبود و پیشرفت هموار می‌گردد.

استاد مطهری در تفسیر و تعریف نقد می‌نویسد: «قوه نقادی و انتقاد کردن به معنای عیب گرفتن نیست؛ معنای انتقاد، یک شی را در محک قرار دادن و به وسیله محک زدن به آن، سالم و ناسالم را تشخیص دادن است» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۱۵۶). از این روی، وجهه دیگران را خراب کردن و دامن زدن به بدبینی‌ها و ایجاد چنین جوی را نمی‌توان با انتقاد و نقد یکی دانست.

جایگاه نقد و انتقاد از منظر اسلام

در اسلام نیز انتقاد از همان ابتدا مورد توجه رسول اکرم (ص)، ائمه اطهار علیهم السلام و دیگر علمای بزرگ دینی قرار گرفته است. از منظر اسلام انتقادگری و انتقادپذیری لازمه پویایی و حرکت تکاملی فرد و جامعه اسلامی می‌باشد. بنابراین اسلام همواره بر تذکر کاستی‌ها و نقد عمل‌ها به جای آراستن عیوب و کتمان زشتی‌ها، تأکید کرده است. برای تفهیم و روشن شدن بیشتر مطلب لازم است احادیثی چند از بزرگان دینی در ارتباط با انتقاد و اهمیت آن بیان کنیم.

امام موسی کاظم (ع) انتقاد را از واجب‌ترین حقوق مسلمانان معرفی می‌کند و در این باره می‌فرماید: از واجب‌ترین حقوق برادرت این است که او را به خیر متوجه کنی و هیچ چیزی را که برای دنیا و آخرت او مفید است از او پنهان نداری (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۳۲۲).

احادیث فوق بیانگر اهمیت انتقاد و نقش تکاملی آن از منظر ائمه و بزرگان دینی می‌باشد. اهمیت این امر به حدی است که امام موسی کاظم (ع) می‌فرماید: کوشش کنید چهار برنامه مشخص داشته باشید: قسمتی برای مناجات با خدا، ساعتی برای امرار معاش، قسمتی برای هم‌نشینی با برادرانی که مورد اعتمادند و عیوبتان را خالصانه با زبان ابراز می‌دارند و ساعتی را نیز به جلب لذایذ مشروع خود اختصاص دهید (همان، ج ۷۵، ص ۳۲۱).

پس از بیان برخی از احادیث در ارتباط با نقد و انتقاد لازم است که به بررسی اهمیت این مقوله در اندیشه امام خمینی (ره) بپردازیم.

بررسی جایگاه انتقاد در اندیشه امام خمینی (ره)

اهمیت و نقش به‌سزای انتقاد در تکامل پیشرفت جامعه و فرد توسط امام خمینی (ره) همواره مورد تأکید امام قرار گرفته است؛ تا حدی که به گفته آیت‌الله سید مهدی یثربی، همیشه صدای بحث و جنجال از کلاس بلند بود (فراهانی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۵).

امام همواره تلاش می‌نمود تا طلاب را نقاد و محقق بار آورند. آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی ضمن بیان این مطلب، می‌گوید: «بسیاری از فضلا فقط به این نیت به درس امام می‌آمدند که بتوانند خودشان را از چهارچوب‌های تقلید بیرون بیاورند؛ چون در درس امام، طلبه نقاد و محقق بار می‌آمدند. گاه می‌شد امام نظریاتی از بزرگان مطرح می‌کند، بزرگانی که اسمشان کافی است که انسان بی‌چون‌وچرا حرفشان بپذیرد، لکن امام گاه تا یازده اشکال به سخنان آنها وارد می‌کرد» (همان، ص ۱۶۰).

آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی در ادامه سخنان خود می‌گوید: «گاه می‌شد درس، یک ساعت طول می‌کشید و کسی ایراد و اشکالی نمی‌کرد. خود امام می‌فرمودند: مجلس روضه که نیست، من بگویم شما گوش بدهید، بالاخره شما هم هستید، لااقل بودن خودتان را در این‌جا اعلان کنید که غیر از من هم کسی این‌جا هست» (همان).

آیت‌الله محمد هادی معرفت، مهم‌ترین اصل تدریس امام را انتقاد می‌دانند، با بیان این مطلب که ایشان راه مناقشه در کلام بزرگان را باز می‌کردند. «قبل از ورود امام به نجف، درس و تحقیق رنگ تقلیدی به خود گرفته بود؛ مثلاً اگر گفته می‌شد کلام، کلام مرحوم آقا ضیاء یا مرحوم نائینی یا آقا شیخ حبیب‌الله رشتی یا مرحوم فشارکی اصفهانی یا... است، انتساب قول به این گوینده‌ها یک نوع حریم ایجاد می‌کرد. لذا طلبه‌ها این جرأت را به خود نمی‌دادند که رأیی برخلاف رأی بزرگان دهند یا تحقیق کنند. ولی امام یک تحول ایجاد کردند؛ یعنی راه مناقشه در کلام بزرگان را باز کردند و حریم را شکستند و به عالم تحقیق و فقاقت این درس را دادند که باید حریم کلام بزرگان را شکست» (فصلنامه حوزه، ش ۳۲، ص ۱۳۷).

آیت‌الله جعفر سبحانی در این باره می‌فرماید: «امام به بحث و مذاکره در مسائل علمی و بحث و مذاکره در مجلس درس علاقه وافری داشتند. اگر به جلسه درس سکوت حکمفرما می‌شد، می‌فرمودند: مجلس درس است نه مجلس روضه، بگویند و اعتراض کنید. به خاطر دارم که من بیش از دیگران در درس به اشکال و سؤال می‌پرداختم. برخی که از این وضع ناراضی بودند از محضرشان درخواست کردند که تذکر بدهند که شاگردان کمتر اشکال کنند و طبعاً بنده نیز کمتر سخن بگویم. حضرت امام در پاسخ فرمودند: به نظر من کمتر از حد نصاب در درس اشکال می‌شود و باید پایه اعتراض و به اصطلاح «ان قلت» بالا برود» (همان، ص ۱۲۵).

اندیشه امام خمینی از باب انتقاد نه تنها نشأت گرفته از آموزه‌های دینی است، بلکه نشان از درایت و آگاهی والا و مترقی ایشان در باب پیشرفت و تکامل جامعه می‌باشد؛ چرا که اختلاف‌نظر و اندیشه نه تنها نشان از تعالی فکری جامعه می‌باشد بلکه منجر به پیشرفت و تکامل بسیاری از امور می‌شود.

بر همین پایه امام خمینی در نامه تاریخی خود به محمد علی انصاری که به عنوان تحکیم وحدت موسوم شد می‌فرمایند:

«کتاب‌های فقهای بزرگوار اسلام پر است از اختلاف‌نظرها و سلیقه‌ها و برداشت‌ها در زمینه‌های مختلف نظامی، فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و عبادی، تا آن‌جا که در مسائلی که ادعای اجماع شده است، قول و یا اقوال مخالف وجود دارد و حتی در مسائل اجماعی هم ممکن است قول خلاف پیدا شود، از اختلاف اخباری‌ها و اصولی‌ها بگذریم. از آن‌جا که در گذشته این اختلافات در محیط درس و بحث و مدرسه محصور بود و فقط در کتاب‌های علمی آن هم عربی ضبط می‌گردید، قهراً توده‌های مردم از آن بی‌خبر بودند و اگر باخبر هم می‌شدند، تعقیب این مسائل برای‌شان جاذبه‌ای نداشت. حال آیا می‌توان تصور نمود که چون فقها با یکدیگر اختلاف نظر داشته‌اند - نعوذ بالله - خلاف حق و خلاف دین خدا عمل کرده‌اند (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۶).

بنابراین اختلاف نظر در مسائل نظری امری طبیعی به شمار می‌رود؛ چرا که متون دینی، سیره علما و دانشمندان سرشار از اختلاف نظر می‌باشد. از این‌رو نمی‌توان به بهانه اختلاف نظر، بر مسلمانان و مؤمنان خرده گرفت و راه هر گونه اظهار نظر را مسدود ساخت.

علامه طباطبایی اختلاف در مسائل نظری را امری اجتناب‌ناپذیر می‌داند و می‌گوید:

«اختلاف آنان در مدت ماندن جزء اختلاف ناپسند که همان اختلاف در عمل است و به نابودی منجر می‌شود، نیست. بلکه از قبیل اختلاف در مسائل نظری است که از آن گریزی نیست» (طباطبایی، بی تا، ج ۱۳، ص ۲۸۷).

هر چند که امام (ره) مدام بر اتحاد و مشارکت تأکید می‌ورزیدند، اما از نظر ایشان انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومی اختلاف نیست. «انتقاد به‌جا و سازنده باعث رشد جامعه می‌شود. انتقاد اگر به حق باشد، موجب هدایت دو جریان می‌شود. هیچ‌کس نباید خود را مطلق و مبرای از انتقاد ببیند» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۹).

امام خمینی (ره) با پذیرفتن اصل انتقاد، آداب و حد و مرزهایی برای این امر قائل می‌شود که در واقع موضوع اصلی مقاله حاضر را دربردارد.

اخلاق و آداب نقد از منظر امام خمینی (ره)

امام در فرمان تاریخی خود موسوم به «تحکیم وحدت» برخی از اصول را مبرای از انتقاد و اختلاف معرفی می‌کنند. ایشان در این نامه می‌فرماید: «اختلاف اگر زیربنایی و اصولی شد، موجب سستی نظام می‌شود. این مسئله روشن است که بین افراد و جناح‌های موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است و لو این‌که شکل عقیدتی به آن داده شود» (همان، ج ۲۱، ص ۱۷۸).

ایشان از پنج اصل و مبنا یاد می‌کنند که اختلاف نظر در آن‌ها را جایز نمی‌دانند. این اصول عبارت‌اند از:

۱- اسلام ۲- قرآن ۳- انقلاب اسلامی ۴- استقلال در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی ۵- رفاه عمومی و برچیدن ستم اقتصادی (همان، ج ۲۱، صص ۱۸۰-۱۷۶).

به جز موارد فوق، در مسائلی که امام انتقاد را جائز شمرده است حد و مرزهایی را تعیین کرده‌اند که به وحدت و برادری جامعه لطمه‌ای وارد نسازد.

از نظر ایشان در زمینه نقد و انتقاد می‌بایست اصول ذیل را سرلوحه قرار داد:

۱- انتقاد نباید عامل انحراف جامعه باشد

ایشان در این باره می‌فرمایند: «ممکن است هر کس در فضای ذهن و ایده‌های خود نسبت به عملکردها و مدیریت‌ها و سلیقه‌های دیگران و مسئولین انتقادی داشته باشد، ولی لحن و تعبیر نباید افکار جامعه و آیندگان را از مسیر شناخت دشمنان واقعی و ابرقدرت‌ها که همه مشکلات و نارسایی‌ها از آنان سرچشمه گرفته است، به طرف مسائل فرعی منحرف کند و خدای ناکرده همه ضعف‌ها و مشکلات به حساب مدیریت و مسئولین گذاشته شود و از آن تفسیر انحصارطلبی گردد که این عمل کاملاً غیرمنصفانه است و اعتبار مسئولین نظام را از بین می‌برد و زمینه را برای ورود بی‌تفاوت‌ها و بی‌دردها به صحنه انقلاب آماده می‌کند (همان، ج ۲۱، صص ۲۸۳-۲۸۲).

۲- در نظر داشتن محظورات سیاسی در شرایط حساس کشور در انتقاد

«من از باب وظیفه به مردم و فرزندان پرشور انقلاب می‌گویم که مبدا بدون در نظر گرفتن محظورات سیاسی و شرایط پیچیده و حساس کشور به طرح سؤال‌ها و اشکالاتی روی آورید که بازگو کردن و تحلیل واقعی قضایا توسط مسئولین دلسوز نظام باعث کشف اسرار مملکت شده و برای نظام مسئله‌آفرین گردد و نه تنها گره‌ای را باز نکند که بر مشکلات مملکت نیز بیفزاید... اگر مصلحت نظام و اسلام سکوت است، دردمندانه سکوت کنید که اجر سکوت برای پیشبرد اهداف نظام و اسلام به مراتب بیشتر از دفاع از اتهام وابستگی است (همان، ج ۲۱، ص ۱۵۶).

۳- پرهیز از انتقاد بی‌منطق به دولت

«دوستان من شما اگر به اسلام و احکام آزادی‌بخش آن گرایش دارید، مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها و تضعیف دولت، خلاف اسلام است و اگر به ملت و صلاح حال مستضعفین گرایش دارید، امروز تضعیف دولت و شایعه‌سازی‌ها و دروغ‌پردازی‌ها، مخالف صلاح ملت و مستضعفین و کمک به دشمنان ملت و کشور است... این‌جانب از تمام قشرهای ملت عزیز تقاضا دارم که به کمک دولت - که کمک به مستضعفین است - بشتابند و تفرقه‌اندازان را به خود راه ندهند» (همان، ج ۹، صص ۲۶۹-۲۶۸).

۴- ابراز تأسف از انتقادات کینه‌توزانه

روی سخن ایشان در این باب با نویسندگان و گویندگانی است که به جای انتقاد سالم و هدایت مفید، با انتقاد کینه‌توزانه می‌خواهند افراد جامعه را به جمهوری اسلامی بدبین کنند. اینان به جای انتقاد سازنده، به فحاشی پرداخته و به جای نهي از منکر، خود مرتکب منکری شوند. خداوند آنان را هدایت فرماید (همان، ج ۱۴، ص ۷۶).

۵- پرهیز از خودمطلق‌بینی

از دیدگاه حضرت امام (ره) هیچ‌کس نباید خود را مطلق و مبرای از انتقاد ببیند.

سخن تاریخی و درخشان امیرالمؤمنین در این زمینه گوشه‌ای از این خلق و خوی علوی است. ایشان می‌فرماید:

«پس، از گفتن حق یا رایزنی در عدالت بازمایستید که من نه برتر از آنم که خطا کنم و نه در کار خویش از خطا ایمنم، مگر که خدا مرا در کار نفس، کفایت کند، که از من بر من تواناتر است» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶، ص ۳۳۵).

همچنین به مالک اشتر سفارش می‌کند که نزدیک‌ترین افراد نزد تو آنان باشند که بیشتر تلخی‌های حق را بر زبان جاری می‌سازند (همان، خطبه ۲۱۶، ص ۴۲۶).

۶- احترام به دیگران

از نظر امام «بین افراد و جناح‌های موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است و لو این‌که شکل عقیدتی به آن داده شود. چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است... هر دو می‌خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد. پس اختلاف بر سر چیست؟ اختلاف بر سر این است که هر دو عقیده‌شان است که راه خود باعث رسیدن به این همه است. ولی هر دو باید کاملاً متوجه باشند که موضع‌گیری‌ها باید به گونه‌ای باشد که در عین حفظ اصول اسلام برای همیشه تاریخ، حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم علیه سرمایه‌داری غرب و در رأس آن آمریکای جهان‌خوار و کمونیسم و سوسیالیزم بین‌الملل و در رأس آن شوروی متجاوز باشند» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۸).

۷- شنیدن و تأمل در سخن مخالف

مهم‌ترین محوری که آیت‌الله محمد تقی جعفری از خاطرات دوران تدریس امام (ره) نقل می‌کند، متانت و شکیبایی ایشان به هنگام پاسخ بود (فراهانی، ۱۳۸۵، ص ۶۳).

۸- پرهیز از دشنام و بدگویی

ایشان در این باره می‌فرماید: «باید همه بیدار بشویم، همه توجه بکنیم، هم اصلاح کنیم خودمان را که خدای نخواستہ تخلف نکنیم؛ و هم توجه کنیم به این‌که اگر یکی تخلف کرد، جلوی او را بگیریم نه با داد و دعوا؛ گفتن با ملایمت» (صحیفه امام، ج ۸، ص ۴۹۱).

علاوه بر فرمان امام در این رابطه، پرهیز از دشنام و بدگویی از دیرباز مورد توجه اسلام بوده است. بیان سخن پیامبر در این باره خالی از لطف نیست. به رسول خدا گفته شد: مشرکین را نفرین کن، فرمود: ان لم أبعث لعناً و انما بُعثت رحمة؛ من برای لعن و نفرین برانگیخته نشدم، بلکه برای رحمت و مهربانی مبعوث شدم (نیشابوری، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۴).

۹- اجتناب از قهر و جدایی

امام در این باره می‌فرماید: «باید ملت ایران این پیروزی را و این نهضت را حفظ کنند. اگر این نهضت خدای نخواستہ رو به سستی گراید، باید مہیای اعادہ مصیبت‌های سابق باشیم. اگر تفرقہ‌ای بین ملت ما حاصل بشود، اگر دست‌های جنایتکاری بین ملت ما تفرقہ بیندازد، باید ملت باز خودش را مہیا کند، برای اختناق‌ها و برای چپاول‌گری‌ها و برای عقب‌ماندگی‌ها. رمز پیروزی ما وحدت کلمه و اتکال به خدا و اتکال به اسلام بود. این رمز را ملت ما نباید از دست بدهد» (صحیفہ امام، ج ۶، صص ۳۹۳-۳۹۲).

سخنان بی‌شمار امام، و از سوی دیگر سعی در پرهیز از اطناب، ما را وادار می‌سازد تا تنها بخش کوتاهی از سخنان امام را در ارتباط با این موضوع بیان نماییم.

امام در سخنرانی تاریخی خود در جمع اقشار مختلف مردم در مدرسه فیضیه با اشاره به نقش مہم دانشگاهیان در انقلاب و پرهیز از اختلاف و دستہ‌بندی در میان آنان، می‌فرماید: «به دانشگاهی‌ها عرض می‌کنیم کہ این قدر گروه گروه نشوید، شما دشمن دارید، در مقابل دشمن باید مہجہز بشوید؛ مہجہز شدن به این است کہ با ہم یک گروه با وحدت کلمه، اگر شما یک گروه بشوید، جوان‌های معتقد مسلم ما کہ بحمدالله اکثر دانشگاه را در قبضہ دارند، اگر این‌ها ہی گروه نشوند و با ہم مجتمع بشوند، چہار تا آدمی کہ معوج و منحرف است یا به این‌ها ملحق می‌شود کہ ان‌شاءالله ملحق بشود، و یا گورش را گم می‌کند و می‌رود. شما منتظر این نشوید کہ دولت بیاید جلو بگیرد، یا ملت بیاید جلو بگیرد، خودتان با اجتماع خودتان، بدون این کہ دعوایی راہ بیندازید، بدون این کہ درگیری در کار باشد، با اجتماع خودتان، با وحدت کلمه خودتان، جلوی این توطئه‌ها را بگیرید. فردا دانشگاه باز می‌شود، جلو بگیرید از این توطئه‌ها. توطئه‌گرہا دشمن شما هستند» (همان، ج ۹، صص ۵۴۰-۵۳۹).

۱۰- گفتگو نہ رودرویی

امام در پایان نامہ تاریخی خود بہ محمد علی انصاری چنین نگاشته است: «برای من روشن است کہ در نہادِ ہر دو جریان، اعتقاد و عشق بہ خدا و خدمت بہ خلق نہفته است. با تبادل افکار و اندیشہ‌های سازندہ مسیر رقابت‌ها را از آلودگی و انحراف و افراط و تفریط باید پاک نمود. من باز سفارش می‌کنم، کشور ما در مرحلہ بازسازی و سازندگی بہ تفکر و بہ وحدت و برادری نیاز دارد. خداوند بہ ہمہ کسانی کہ دلشان برای احیای اسلام ناب محمدی - صلی الله علیہ و آلہ و سلم - و نابودی اسلام آمریکایی می‌تپد، توفیق عنایت فرماید و شما و ہمہ را در کنف عنایت و حمایت خویش محافظت فرماید و ان‌شاءالله از انصار اسلام و محرومین باشید» (همان، ج ۲۱، ص ۱۸۰).

امام خمینی (ره) انتقاد و نقد را ستودہ و پرداختن بہ آن را مشروط بہ وجود عوامل مقتضی، امکان‌پذیر می‌داند. اما همان‌گونہ کہ در متن مقالہ اشارہ شد امام در مقولات قرآن، اسلام و انقلاب اسلامی و نظام، نقد و انتقاد را جایز نمی‌داند و ہموارہ بر وحدت تأکید می‌ورزند.

وی در سخنانی حکیمانہ و دوراندیشانہ نکات بسیار ارزندہ و راہگشایی را خطاب بہ ہر دو جریان سیاسی بیان می‌دارند کہ ہیچ نقدی نباید خارج از چارچوب این اصول صورت پذیرد.

ایشان در سفارش بہ دو جناح سیاسی می‌فرمایند:

«روشن است که بین افراد و جناح‌های موجود وابسته به انقلاب اگر اختلاف هم باشد، صرفاً سیاسی است و لو این‌که شکل عقیدتی به آن داده شود. چرا که همه در اصول با هم مشترکند و به همین خاطر است که من آنان را تأیید می‌نمایم. آنها نسبت به اسلام و قرآن و انقلاب وفادارند و دلشان برای کشور و مردم می‌سوزد و هر کدام برای رشد اسلام و خدمت به مسلمین طرح و نظری دارند که به عقیده خود موجب رستگاری است. اکثریت قاطع هر دو جریان می‌خواهند... سیطره و شر زالوصفتان وابسته به دولت و بازار و خیابان را از سر مردم کم کنند، هر دو می‌خواهند کارمندان شریف و کارگران و کشاورزان متدین و کسبه صادق بازار و خیابان زندگی پاک و سالمی داشته باشند. هر دو می‌خواهند دزدی و ارتشا در دستگاه‌های دولتی و خصوصی نباشد، هر دو می‌خواهند ایران اسلامی از نظر اقتصادی به صورتی رشد نماید که بازارهای جهان را از آن خود کند، هر دو می‌خواهند اوضاع فرهنگی و علمی ایران به گونه‌ای باشد که دانشجویان و محققان از تمام جهان به سوی مراکز تربیتی و علمی و هنری ایران هجوم آورند، هر دو می‌خواهند اسلام قدرت بزرگ جهان گردد. پس اختلاف بر سر چیست؟ اختلاف بر سر این است که هر دو عقیده‌شان است که راه خود باعث رسیدن به این همه است. ولی هر دو باید کاملاً متوجه باشند که موضع‌گیری‌ها باید به گونه‌ای باشد که در عین حفظ اصول اسلام برای همیشه تاریخ، حافظ خشم و کینه انقلابی خود و مردم علیه سرمایه‌داری غرب و در رأس آن آمریکای جهان‌خوار و کمونیسم و سوسیالیسم بین‌الملل و در رأس آن شوروی متجاوز باشند. هر دو جریان باید با تمام وجود تلاش کنند که ذره‌ای از سیاست "نه شرقی و نه غربی، جمهوری اسلامی" عدول نشود... آن را با شمشیر عدالت اسلامی راست کنند. هر دو گروه باید توجه کنند که دشمنان بزرگ مشترک دارند که به هیچ یک از آن دو جریان رحم نمی‌کند. دو جریان با کمال دوستی، مراقب آمریکای جهان و شوروی خائن به امت اسلامی باشند. هر دو جریان باید مردم را هوشیار کنند که درست است که آمریکای حيله‌گر دشمن شماره یک آن‌ها است ولی فرزندان عزیز آنان زیر بمب و موشک شوروی شهید گشته‌اند. هر دو جریان از حيله‌گری‌های این دو دیو استعمارگر غافل نشوند و بدانند که آمریکا و شوروی به خون اسلام و استقلالشان تشنه‌اند.

خداوندا، تو شاهد باش من آنچه بنا بود، به هر دو جریان بگویم گفتم، حال خود داند. البته یک چیز مهم دیگر هم ممکن است موجب اختلاف گردد - که همه باید از شر آن به خدا پناه ببریم - که آن حب نفس است که این دیگر این جریان و آن جریان نمی‌شناسد... اگر آقایان از این دیدگاه که همه می‌خواهند نظام و اسلام را پشتیبانی کنند به مسائل بنگرند، بسیاری از معضلات و حیرت‌ها برطرف می‌گردد؛ ولی این بدان معنا نیست که همه افراد تابع محض یک جریان باشند. با این دید گفته‌ام که انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومش اختلاف نیست» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۷۸-۱۷۹).

نتیجه

با توجه به توسعه ارتباطات و از سویی افزایش آگاهی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... مردم، بحث و تبادل نظر امری طبیعی محسوب می‌گردد و انتقاد ملموس‌ترین شکل چنین مبحثی می‌باشد. امام خمینی (ره) با درایت و دوراندیشی تمامی اختلافات و مشکلات را پیش‌بینی می‌کنند و با سخنان پرمغز خود به نهادها و

گروه‌های مختلف، چراغ هدایت و اسباب موفقیت و پیشبرد اهداف نظام و انقلاب اسلامی را به آنان گوشزد می‌نمایند.

همان‌گونه که در متن مقاله اشاره شد، در آموزه‌های دین اسلام که رکن اساسی انقلاب اسلامی به شمار می‌رود نیز بارها و بارها توسط رسول اکرم (ص)، ائمه علیهم‌السلام و دیگر بزرگان دینی تشیع و تسنن به این امر اشاره گردیده است.

پس لازم است با احیاء اندیشه‌های آن بزرگوار، راه توطئه دشمنان و ایجاد تفرقه در میان اقشار مختلف جامعه را از میان برداریم.

تمامی گروه‌ها، جناح‌ها، احزاب و فعالین سیاسی نیز می‌بایست با محوریت آموزه‌ها و اندیشه‌های امام که بی‌شک اکمل اندیشه‌ها می‌باشد، درصدد دستیابی به اهداف و مطالبات خود برآیند؛ نه آن‌گونه که اسباب نابودی و از بین بردن نظام را فراهم سازند و ناآگاهانه در مسیر اهداف دشمنان اسلام و انقلاب قرار گیرند.

Archive of SID

منابع

۱. فراهانی مجتبی، ۱۳۸۵، سلسله موی دوست (خاطرات دوران تدریس امام خمینی (ره) به نقل از شاگردان، دوستان و منسوبین، چاپ اول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲. صحیفه امام (مجموعه ۲۲ جلدی بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، (۱۳۸۵)، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳. طباطبایی، محمد حسین، بی‌تا، المیزان، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۴. فصلنامه حوزه، صاحب امتیاز مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ش ۳۲.
۵. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، جلد‌های ۷۸، ۷۵، ۷۱، طبع الاول، بیروت: مؤسسه وفاء بیروت.
۶. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، اسلام و مقتضیات زمان، چاپ اول، قم: انتشارات صدرا.
۷. نهج البلاغه، مجموع ما اختاره الشریف الرضی من کلام امیرالمؤمنین (ع)، تصحیح صبحی صالح، ۱۳۷۸ق، طبع الثانی، بیروت: انتشارات افست هجرت.
۸. نیشابوری، مسلم بن حجاج، بی‌تا، صحیح مسلم، بیروت: دارالفکر.

Archive of SID